



در آستانه روز خبرنگار؛ کتاب «از تبریز تا حجاز» منتشر شد

کتاب «از تبریز تا حجاز» در آستانه روز خبرنگار در تبریز منتشر شد.

کتاب «از تبریز تا حجاز» در آستانه روز خبرنگار در تبریز منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، صور «حضور» به صدا در آمده تا «سور» معنوی در زیباترین و بهترین نقطه ی روی زمین برای خاکیان برپا شود. آنجا افلاک در برابر عظمت و هیبت آن، سر بر خاک می ساینند و نجوی «یا حق» «یا حق» هر حضری از فریاد «لیلیک» شأن، فضای گرم «مکه» را معطر می سازد.

این عبارات بخشی از کتاب «از تبریز تا حجاز» است که در آستانه روز خبرنگار به قلم «محمد امین خوش نیت» از روزنامه نگاران فعال و با سابقه آذربایجان شرقی در قالب یک گزارش از سفر منتشر شده است. این کتاب مشروح دیده ها و شنیده های مؤلف از سفر به سرزمین وحی است که در کنار خاطره نویسی نیم نگاهی نقادانه به نقاط مثبت و منفی سفر زیارتی ایرانیان به کشور عربستان داشته است.

نقطه قوت این اثر ترکیبی بودن محتوای کتاب است به گونه ای که در کنار یک متن توصیفی و سفرنامه نویسی، نگاهی تحقیقی به تاریخچه زیارت مکه و مدینه و سیر تحول و مراحل بازسازی آنها داشته است و به این ترتیب بین سفرنامه نویسی و گزارش نویسی پیوندی نزدیک برقرار کرده است که می تواند مورد استفاده خبرنگاران و دانشجویان رشته روزنامه نگاری قرار گیرد.

محمد امین خوش نیت، از روزنامه نگاران قدیمی آذربایجان شرقی است که با بیش از سه دهه فعالیت رسانه ای در کنار تدریس در مراکز علمی و دانشگاهی، مدیرمسئول و سردبیر پایگاه خبری آذرقلم نیز می باشد.

در بخش دیگری از این کتاب آمده است:

خلعت سپید عاشقی...

آنگاه که غسل می کنی، تن خاکی خویش را به آب برآمده از تربت حجاز، معطر ساخته، وجود خود را از هر آنچه پالودگی و زنگار فساد و ناراستی است پاک می کنی. لباس دنیا و هر آنچه در آن است از تن در آورده و خود را در نمونه ی کوچک تری از روز حشر می بینی. جامه ی کبر و لباس غرور، خلعت فخر و ردا ی شرور از تن در آورده و سبکیال عزم پرواز می کنی. همان جامه ای که به حیلت رنگ و لعاب و زرق و برق آن، همه ی فجایع بشریت و فسق و فجور دنیوی از آن سرچشمه می گیرد. اینک سرآغاز دل بریدن از همان جامگان پرفریب است.

لحظه ای چشم بر بند و در همین جامه، روز رخصت را به خاطر آور. آنگاه که جامه ای شبیه آنچه که اکنون بر تن نوست، تن پوش تو خواهد بود. اما آنگاه دیگر نه نفس داری که کلامی بگویی و نه چشمی که ترش سازی. آنجا نیز با جامه ای مشابه لباس امروز، در خاک قرار می گیری تا «هیچ» بودن کالبد دنیوی عیان شود. امروز نیز در این میقات عاشقانه، همان هیچ باش. مپندار که تو را بر دیگری رجحانی است. این لباس احرام، جامه ی ذکر است و اشتیاق، خلعت سپید مهر است و نفی نفاق! و این است گام بلند از شیطان بریدن و به آستین حق چنگ زدن. آنگاه که باید به این باور بررسی که: این نه منم نه منم!